



مهدی سلطانی رنای

از منظر قرآن کریم

مقدمه

پروردگار جهانیان و نازل کننده قرآن جاویدان در آخرین نامه انسان سازی خود برای بشر، شیوه های مختلفی برای تربیت و تزکیه انسان ارائه می فرماید؛ روش هایی که هر کدام تأثیری خاص بر روح و روان و منش انسان می گذارد؛ روش هایی چون بشارت به نعمت های جاویدان، بیم دهی از عذاب همیشگی، بیان سرگذشت گذشتگان، داستان پیامبران، استفاده از تمثیل، بهره گیری از قسم و سوگند و... در این رویش و زایش، در نهاد خود همواره رو به سوی کمال دارد و با اشتباهی سیری ناپذیر در تکاپوی صعود به مدارج کمال، تعالی و ترقی است؛ تکاملی که عبارت است از تغییراتی تدریجی در مسیر شکوفایی و به فعلیت رسانی استعدادهای فطری، که به وسیله نیروهای به ودیعت نهاده شده در سرشت کمال گرای که با استفاده از شرایط و امکانات خارجی انجام می شود. (۱) در راستای عروج به قله های رفیع ترقی و کمال، یکی از کاراترین نیروهای فطری انسان میل به تقلید و اسوه پذیری است و این میل به عنوان یک احساس درونی، او را وادار می نماید تا جهت رسیدن هر چه سریعتر به کمال مطلوب، روش و سبیره تکامل یافتگان را الگوی خویش سازد و تلاشی هدف دار و آگاهانه برای ایجاد هماهنگی و انسجام رفتاری با آن الگوهای مورد نظر در پیش گیرد. (۲) قابل ذکر است که یکی از مؤثرترین شیوه های تربیتی قرآن که به کرات مورد توجه قرار گرفته همین روش است، که با تعیین الگوهای صحیح و

(۱) ر.ک: مصباح یزدی، محمد تقی؛ خودشناسی برای خودسازی، صفحه ۱۱-۱۳

(۲) ر.ک: همان و همچنین مصباح یزدی، محمد تقی؛ جامی از زلال کوثر، صفحه ۶۷-۶۸

تأکید بر پیروی از ایشان و همچنین با رسوا کردن الگوهای ناصحیح و درهم کوبیدن بت‌های فکری و فرهنگی صورت می‌پذیرد و رسالت مادر این نوشتار و مقاله تحقیقی، بیان نمونه‌هایی از آن روش با توضیح کامل و مستدل است و قبل از آن انواع اسوه‌پذیری، آفات اسوه‌پذیری و روش‌های اصلاح اسوه‌پذیری تبیین می‌شود.

❁ انواع اسوه‌پذیری و مورد مطلوب آن از دیدگاه قرآن

مطابق نظر گروهی از روان‌شناسان، الگوپذیری - به معنای عام آن - بر ۳ قسم است: محاکات، تقلید بالمعنی الاخص و اقتباس.

۱) **محاکات**: تقلید نا آگاهانه و عاری از هر گونه اندیشه و تشخیص را گویند؛ مانند کودک چند ماه‌های که در پی خنده اطرافیان، بی‌درنگ می‌خندد.

۲) **تقلید بالمعنی الاخص**: این نوع تقلید که آن را تقلید بجه گانه هم می‌گویند، عبارت است از الگو برداری نیمه آگاهانه از رفتار دیگران.

در این نوع تقلید عنصر آگاهی و هدف داری حضور دارد اما حضوری کم رنگ و اندک؛ مانند طفل سه ساله‌ای که تنها برای شبیه سازی خود به اطرافیان از اعمال ایشان تقلید می‌نماید، بدون آنکه قصد و هدف آن اعمال را درک کند.

۳) **اقتباس**: این قسم عالی‌ترین مرتبه الگوپذیری و تقلید می‌باشد که عبارت است از تکرار عمل دیگری با آگاهی کافی از حسن کار او.

این نوع اسوه‌پذیری کاملاً آگاهانه، هدف دار و از روی علم و قصد می‌باشد؛ همانند نوجوان یا جوانی که از میان رفتارهای اطرافیان، آن را که بهتر می‌باید برمی‌گزیند و برای این‌گزینش دلیلی هم اقامه می‌کند.

سر و کار مادر بحث اسوه‌پذیری در قرآن، با این نوع است.

در عرصه اسوه‌پذیری، آنچه مطلوب و ارزشمند است، الگوپذیری کاملاً آگاهانه، هدف دار و از روی معرفت کامل می‌باشد، ولی لحاظ این دو عنصر در الگوپذیری‌ها متفاوت است. (۳)

❁ آفات اسوه‌پذیری از منظر قرآن کریم:

اسوه‌پذیری، گرچه از اهمیت بس شگرفی برخوردار است، اما همچون هر امر مثبت دیگری می‌تواند دستخوش آفت شده، زمینه خسارت‌های عظیمی را فراهم آورد. از این روی مهم‌ترین این آفات را برمی‌شمریم.

۱) الگوپذیری مطلق از آبا و اجداد:

نخستین الگوهای آدمی، پدر و مادرند. کودک، والدین خویش را هم از لحاظ



۳) ر. ک: مصباح یزدی، محمد تقی؛ جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، صفحه ۲۱۱-۲۱۴

قدرت و هم از لحاظ علمی بسیار برتر از خود می بیند و به تجربه در می یابد که پیروی از پدر و مادر فواید بسیاری برای وی دارد؛ از این روی می پندارد همه چیز را باید از پدر و مادر آموخت و در هر زمینه ای باید از ایشان پیروی کرد.

اگر این خصلت پیروی مطلق و بی چون و چرا از آبا و اجداد در سال ها و مراحل بعدی و بالاتر زندگی پابرجا بماند و هم چنان تداوم داشته باشد، باید اظهار نمود که شخص هنوز در دوران طفولیت به سر می برد و در زمینه اسوه پذیری دچار آفت عظیم و انحراف وسیع شده است.

قرآن کریم در آیات متعددی از این آفت سخن گفته و کسانی را که دچار آن هستند، سخت مورد مذمت و نکوهش قرار می دهد؛ مثلاً «و اذا قيل لهم تعالوا الي ما انزل الله و الي الرسول قالوا حسبنا ما وجدنا عليه آباءنا اولوكان ءآباؤهم لا يعلمون شيئا و لا يهتدون» (۴)

و هنگامی که به آنها گفته شود، به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر بیایید، می گویند: آنچه از پدران خود یافته ایم ما را بس است. آیا اگر پدران آنها چیزی نمی دانستند و هدایت نیافته بودند (باز از آنها پیروی می کنند)؟!

۲) اسوه پذیری غیر عاقلانه از باطل :

آفت دیگر این است که شخص برای حفظ رابطه مودت آمیز خود با دیگران یا به قصد ایجاد مناسبات دوستانه با آنان، مقبولاتشان را که خلاف دین، حق و حقیقت است بپذیرد؛ یعنی از حق جدا شود تا به خلق پیوندد. حضرت ابراهیم (ع) قوم خویش را به همین جهت مورد نکوهش قرار می دهد: «و قال انما اتخذتم من دون الله اوثاناً موده بينكم في الحيوه الذنبا...» (۵) ... شما غیر از خدا بت هایی برای خود انتخاب کرده اید که مایه دوستی و محبت میان شما در زندگی دنیا باشد.

۳) اسوه پذیری و الگوگیری از اکثریت :

آفت دیگر این است که فرد، اکثریت طرفداران یک رأی و عقیده را دلیل حقانیت آن رأی و عقیده پندارد و آن را بپذیرد. این که پاره ای از افراد در هر امری تابع اکثریت می شوند ناشی از همین پندار باطل است. موضع قرآن کریم در این مورد چنان واضح است که نیازی به ذکر نمونه نیست. (۶)

۴) اسوه پذیری و الگوگیری کامل از الگوهای غیر صالح :

اگر وجود یک یا چند خصلت نیکو در الگویی باعث این پندار شود که عقیده و سیره او در همه زمینه ها معتبر است، الگوپذیر در لبه پرتگاهی خطرناک واقع می شود و این خود نیز یک آفت در مسیر اسوه پذیری است. متأسفانه این روش،

۴) سوره مائده (۵) / آیه ۱۰۴

۵) سوره عنکبوت (۲۹) / آیه ۲۵

۶) ر. ک: مصباح یزدی، محمد تقی؛

جامی از زلال کوثر، صفحه ۷۱-۶۹

امروزه بسیار رواج یافته است و هر گروهی از افراد غیر صالح که در ظاهر خوب جلوه‌گری نموده و دارای درجات فانی دنیوی است را به عنوان اسوه و الگو، پیروی و تقلید می‌کنند و از این طریق به چیزی اعتقاد می‌یابند. غافل از آنکه قبول برتری مسلم یا نامسلم کسی در زمینه‌های معین، نباید سبب این پندار شود که او در زمینه‌های دیگر نیز شایستگی دارد. (۷)

❁ روش‌های اصلاح اسوه‌پذیری

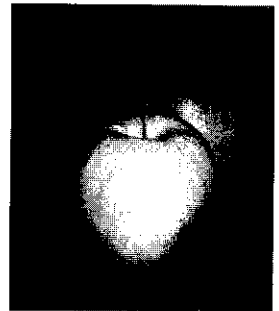
حال که با آفت‌های الگوپذیری آشنا شدیم، لازم است که راه‌حل‌های آن‌ها را نیز بدانیم. این مسأله که حل آن برای یک مصلح اجتماعی از قدر و اهمیت عظیمی برخوردار است با دست به دست هم دادن چند شیوه تربیتی و اصلاحی می‌تواند اصلاح شود.

- (۱) افزایش معرفت عمومی
- (۲) بهره‌گیری از ویژگی‌های روانی، عاطفی و اجتماعی

❁ افزایش معرفت عمومی:

اساسی‌ترین و کارسازترین شیوه در اصلاح اسوه‌پذیری این است که قدرت تفکر و تعقل و تأمل مردم را بیشتر نماییم تا این مطلب را عمیقاً بفهمند که کمال آدمی به اموری از قبیل ثروت، دانش، صنعت و اشکال یا اقسام گوناگون قدرت اجتماعی نیست؛ زیرا افزایش قدرت تفکر مردم موجب می‌شود که هم چنین دریابند، پدر و مادر، مرجع تقلید سراسر زندگی فرزندان و همه‌ی وجوه حیات او نیستند و نیز در خواهند یافت که حقیقت را نباید فدای هیچ چیز و هیچ کس کرد و حتی برای ایجاد یا حفظ و تحکیم ارتباطات دوستانه و همزیستی مسالمت‌آمیز نباید از حق دوری نمود و دست برداشت. کثرت طرفداران یک رأی و عقیده نیز دلیل حقانیت آن نخواهد بود. فهم عمیق این مطالب موجب خواهد شد که بسیاری از افراد، گروه‌ها و قشرهایی که الگوهای عقیده و عمل مردم به حساب می‌آیند از کرسی تقلید فروافتند و افراد دیگری که صلاحیت این امر خطیر را دارند متصدی آن شوند.

اگر در روح و ذهن افراد، گرد و غبار آرا، و نظرات فاسد و خیالات باطل فرو نشیند، آن فرد می‌تواند الگوهای راستین را از الگوهای دروغین تمیز دهد. بدین ترتیب الگوهای عقیده و عمل مردم کسانی خواهند شد که نباید بشوند، و کسانی خواهند بود که باید باشند و پیداست که اگر الگوهای جامعه، انسان‌هایی ذی صلاح باشند، مردم در راه صواب خواهند افتاد.



(۷) رک: همان؛ جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، صفحه ۲۲۲-۲۱۹

❁ بهره‌گیری از ویژگی‌های روانی، عاطفی و اجتماعی:

افزایش معرفت عمومی هر چند شیوه‌ای زیربنایی است؛ اما نیازمند زمان و فرصت وسیع، نیروی انسانی عظیم و فعالیت‌های جانفرساست. این شیوه مخصوصاً در جامعه‌هایی که اکثریت افراد آنها معلوماتی ناچیز و نیروی تعقلی ضعیف داشته باشند، با کندی و سختی مضاعف مواجه خواهند شد. از این روی باید از شیوه‌های دیگر نیز که نتایج آنها سریعتر و سهلتر به بار آید، سود جست. در این شیوه‌ها از ویژگی‌های روانی و اجتماعی مردم؛ مثلاً از مجالس و محافل مذهبی، عرف و عادات، آداب و رسوم، مناسک، احساسات و عواطف آنها در راه اصلاح جامعه استفاده‌های دقیق و به‌جامی شود، به‌عنوان نمونه می‌توان به بهره‌گیری‌های صحیح و استفاده‌های دقیق امام خمینی «رضوان الله علیه» از عواطف و احساسات مقدس مردم جهت به‌ثمررسانی انقلاب اسلامی اشاره نمود. ایشان با توجه به عواطف درونی مردم و با بهره‌مندی به‌جا از خصائص مذهبی، عاطفی و اجتماعی ایشان، ایجادگر تحولی بنیادین در روحیه مردمان و برپاکننده انقلابی بی‌نظیر در ایران شدند. (۸)

❁ اسوه‌پذیری از منظر قرآن کریم و نمونه‌های مختلف آن

همانطور که ذکر شد، یکی از مهمترین روش‌های تربیتی قرآن کریم، تعیین الگوهای صحیح و تأکید بر پیروی از ایشان و نیز رسوا نمودن اسوه‌های ناصحیح و در هم کوبیدن بت‌های فکری و فرهنگی است که به‌زمینه‌ها و مواردی از آن اشاره می‌نماییم:

۱) معرفی اسوه‌حسنه: قرآن، پیامبر گرامی اسلام ﷺ را الگوی شایسته و اسوه‌حسنه مؤمنان راستین معرفی می‌فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة لمن کان یرجو الله والیوم الآخر و ذکر الله کثیرا» در پیامبر خدا برای شما؛ برای کسانی که به‌خدای متعال و روز بازپسین امیدوارند و خدای را بسیار یاد می‌کنند، الگویی نیکو وجود دارد. (۹)

آنچه در این آیه شریفه و نورانی قابل توجه است، جمله «لمن کان یرجو الله والیوم الآخر و ذکر الله کثیرا» می‌باشد.

این جمله، بدل از ضمیر خطاب در لکم است، تا دلالت کند بر اینکه اقتدا و تاسی کامل به رسول خدا ﷺ توفیقی است که نصیب هر کسی نمی‌شود. اسوه‌پذیری از رسول، صفت حمیده و پسندیده‌ای است که هر مؤمنی بدان متصف نمی‌شود، بلکه مؤمنانی به این صفت نیکو‌نایل می‌آیند که ایمانی راستین به خداوند و روز



(۸) ر.ک: مصباح یزدی، محمد تقی؛ جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، صفحه ۲۲۵-۲۲۲
(۹) سوره احزاب (۳۳) / آیه ۲۱

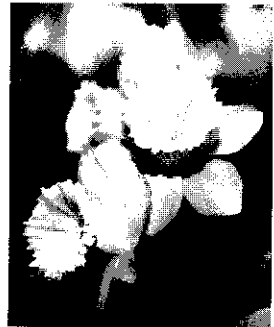
قیامت داشته باشند؛ ایمان دارند گانی که دل در گرو عشق به خدا و توجه به او دارند و او را بسیار یاد می کنند و در نتیجه این ذکر و توجه مداوم است که تاسی کامل به رسول الله ﷺ صورت می پذیرد. (۱۰)

آری! داعیه داران مسلمانی و مؤمنان راستین، آن زمان به مقام رفیع تبعیت و اسوه پذیری کامل از اسوه حسنه دست می یابند که به خدا و روز جزای اخروی باوری حقیقی داشته باشند. (۱۱)

۲) اسوه دهی از سیره پیامبران: خداوند متعال در قرآن کریم از پیامبر رحمت می خواهد که در عرصه خطیر ابلاغ رسالت به پیامبران اولوالعزم اقتدا کند و همچون آنها صبر و استقامت پیشه سازد و از شتاب و بی صبری پرهیزد: «فاصبر كما صبر اولوالعزم من الرسل و لا يستعجل لهم...» (۱۲) (در تبلیغ دین خدا و تحمل اذیت امت) همچون پیامبران اولوالعزم صبور باش و برای (عذاب) آنان شتاب مکن!

در آیه شریفه دیگری از پیامبر اسلام، که خود اسوه حسنه مؤمنان است، خواسته می شود که در پیمودن راه هدایت به پیامبران پیشین اقتدا کند: «اولئك الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فهداهم اقتده...» (۱۳) آنان کسانی هستند که خداوند متعال هدایتشان کرده است؛ به هدایت ایشان اقتدا کن.

۳) الگو دهی از سیره ابراهیم و پیروان او: پروردگار جهانیان در قرآن مجید، ابراهیم (ع) و پیروان راستین او را الگوهای شایسته در عرصه تولی (۱۴) و تبری (۱۵) معرفی می فرماید: «قد كانت لكم اسوة حسنة، في ابراهيم والَّذين معه اذ قالوا لقومهم انا برءوا منكم و مما تعبدون من دون الله كفرنا بكم و بدا بيننا و بينكم العداوة و البغضاء ابدأ حتى تؤمنوا بالله وحده إلا قول ابراهيم لأبيه لأستغفرن لك...» (۱۶) در ابراهیم و کسانی که با او بودند، برای شما مؤمنان؛ الگویی نیکوست، آن هنگام که به قوم خویش گفتند: ما از شما و از آنچه جز خدا می پرستید بیزاریم. میان ما و شما دشمنی و کینه پابر جاست تا آن که به خداوند یگانه ایمان بیاورید؛ مگر در این سخن ابراهیم به پدرش (عمویش) که گفت: حتماً برای تو آمرزش خواهم طلبید... و در آیه دیگری بر اسوه بودن ایشان برای مؤمنان راستین تأکید می ورزد: «لقد كان لكم اسوة حسنة لمن كان يرجو الله و اليوم الآخر...» (۱۷) به راستی در آنان برای شما، برای کسانی که خدای متعال و به روز بازپسین امید دارند، الگویی نیکو وجود دارد.



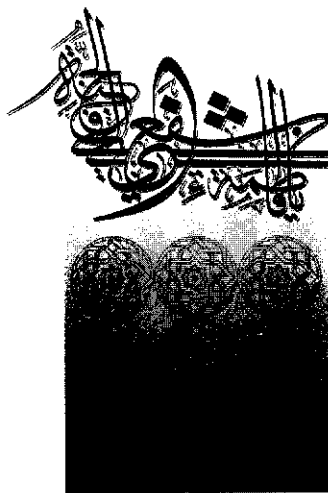
(۱۰) ر. ک: طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، جلد ۱۶، صفحه ۲۰۵-۲۰۳
 (۱۱) ر. ک: مصباح یزدی، محمد تقی؛ اخلاق در قرآن، جلد ۱، صفحه ۱۵۶-۱۵۵
 (۱۲) سوره احقاف (۴۶) / آیه ۲۵
 (۱۳) سوره انعام (۶) / آیه ۹۰
 (۱۴) اظهار محبت و ارادت به خداوندگار یگانه، پیامبر و اهل بیت معصومین علیهم السلام را گویند.
 (۱۵) ابراز بیزاری و نفرت از مشرکان، خدایان دروغین و دشمنان پیامبر و اهل بیت معصومین علیهم السلام را گویند.
 (۱۶) سوره ممتحنه (۶۰) / آیه ۴
 (۱۷) همان / آیه ۶



۴) تشویق به اسوه پذیری از مؤمنان صالح: خداوند متعال پاداش اقتدا کنندگان به مؤمنان صالح را همتراز خود ایشان معرفی می کند تا ارزش اسوه پذیری صحیح را بیان نماید. (۱۸) در قرآن کریم بیش از یکصد بار سخن از تبعیت و اتباع به میان آمده و این خود نمایان گر نهایت اهمیت و توجهی است که این کتاب انسان ساز برای اسوه پذیری و الگو گیری در عرصه تربیت، تزکیه و هدایت انسان ها قائل است. همچنین به دلیل آنکه اصول مکتب و خط مشی اعتقادی - اخلاقی پیامبران و مؤمنان صالح مشترک است و محدود به زمان و مکان خاصی نمی شود، برای همه پویندگان راه هدایت، اقتدا به سیره صالحان گذشته را ضروری می شمرد. (۱۹)

۵) الگو سازی در قالب داستان و تمثیل: هدف مهم بسیاری از داستانها و تمثیلهای قرآنی الگو سازی از سیره پیامبران و مؤمنان راستین و عبرت دهی از فرجام پیشوایان کفر و گمراهی بدکاران عالم است: «لقد كان في قصصهم عبرة لأولي الألباب» (۲۰) به راستی که در بیان داستان ایشان، برای صاحبان اندیشه، عبرت کامل خواهد بود. برای نمونه، خداوند متعال در آیاتی آسبه همسر فرعون و مریم دختر عمران را مثال می زند و ایشان را اسوه تمام مؤمنان جهان، اعم از زن و مرد، معرفی می فرماید: «و ضرب الله مثلا للذین آمنوا امرأت فرعون اذ قالت رب ابن لی عندک بیتا فی الجنة و نجّنی من القوم الظالمین» (۲۱) و باز خدا برای مؤمنان (آسبه) زن فرعون را مثل آورد هنگامی که (از شوهر کافرش بیزاری جست) و عرض کرد: بارالها! (من از قصر فرعون و عزت دنیوی او گذشتم) تو خانه ایی در بهشت برای من بنا کن و مرا از شر فرعون کافر و کردارش و از قوم ستمکار، نجات ببخش و نیز مریم دختر عمران را که عفاف و پاکدامنی ورزید ...

در این دو آیه خداوند متعال با استفاده از شیوه تمثیل به معرفی دو الگوی شایسته می پردازد: آسبه و مریم؛ گویا خداوند متعال خطاب به همه ایمان آورندگان می فرماید: اگر می خواهید به الگویی، تاسی و اقتدا نمایید، به سیره رفتاری این دو زن بنگرید. از وسعت نظر و بلند همتی همسر فرعون سرمشق بگیرید که با وجود فراهم بودن همه امکانات مادی و دنیوی در قصر فرعون، به این دنیای زودگذر فانی و لذائذ آنی آن به دیده تحقیر نگریست و از خداوند، ملک متعالی و نجات از شر ستمکاران یاغی را طلبید. همچنین به چیزی فروتر از مقام قرب و رضوان الهی رضایت نداد.



۱۸) سوره توبه (۹) آیه ۱۰۰: همچنین جهت مطالعه و فهم این موضوع رک: مصباح یزدی، محمد تقی؛ جامی از زلال کوثر صفحه ۸۰-۷۴ (۱۹) رک: مصباح یزدی، محمد تقی؛ جامعه و تاریخ از دیدگان قرآن، صفحه ۲۷۸-۲۷۵ (۲۰) سوره یوسف (۱۲) آیه ۱۱۱ (۲۱) سوره تحریم (۶۶) آیه ۱۱ و ۱۲